

نقد هنر

شناخت هنر معاصر

تری برت

کامران غبرایی

فهرست

- ۱۵..... مقدمه‌ی مترجم فارسی
- ۲۱..... پیشگفتار
- ۲۹..... فصل ۱ / درباره‌ی نقد هنر
- ۳۰..... عشق و نفرت
- ۳۱..... تکبر و تواضع در نقد
- ۳۴..... نقد پیچیده
- ۳۷..... منتقدان و هنرمندان
- ۴۲..... منتقدان و مخاطبان
- ۴۴..... تنوع میان منتقدان
- ۴۸..... منتقدان و بازار هنر
- ۵۳..... تاریخ نقد هنری

۵۴.....	برخی از منتقدان گذشته و حال
۵۴.....	جورجو وازاری
۵۶.....	دنی دیدرو
۵۷.....	شارل بودلر
۵۸.....	کلمنت گرینبرگ
۶۲.....	لارنس آلوی
۶۴.....	هیلتن کریم
۶۷.....	لوسی لیپارد
۶۸.....	رازلیند کراوس
۷۰.....	آرلین ریون
۷۲.....	تعریف نقد
۷۸.....	نقد نقد (و منتقد)
۸۱.....	ارزش نقد
۸۳.....	فصل ۲ / نظریه و نقد هنری
۸۴.....	مدرنیته و پسامدرنیته
۸۹.....	نقد و زیباشناسان مدرنیست
۱۰۱.....	نقد و زیباشناسان پسامدرنیست
۱۰۹.....	نقد مارکسیستی
۱۱۱.....	نقد روان‌کاوانه
۱۱۴.....	نقد و زیباشناسان فمینیست
۱۳۳.....	نقد و زیباشناسان چندفرهنگی‌گرا
۱۴۰.....	پسااستعمارگروی
۱۴۲.....	نظریه‌ی فراهنچار
۱۴۵.....	نتیجه‌گیری

فصل ۳ / توصیف هنر ۱۴۷

ساخت‌مایه ۱۴۸

رسانه ۱۵۱

فرم ۱۵۵

متن یا بافتار ۱۵۸

نقاشی: لیون گالوب ۱۵۹

مجسمه‌سازی: دیورا باترفیلد ۱۶۸

شیشه‌گری: دیل چیهولی ۱۷۲

هنر اجرایی: لوری اندرسن ۱۸۱

ویدئو: بیل وایولا ۱۸۵

چیدمان: آن همیلتن ۱۸۸

اصول توصیف ۱۹۲

فصل ۴ / تفسیر هنر ۲۰۱

تفسیر عکس‌های ویلیام وگمن ۲۰۲

تفسیر آثار جنی هولزر ۲۱۵

تفسیر نقاشی‌های الیزابت موری ۲۳۲

اصول تفسیر ۲۵۶

فصل ۵ / داوری درباره‌ی هنر ۲۷۱

داوری درباره‌ی نقاشی‌های فریدا کالو ۲۷۵

پیتر پلاگنز ۲۷۵

هیدن هررا ۲۸۰

کالو و منتقدان دیگر ۲۸۵

داوری درباره‌ی مجسمه‌های مارتین پری ۲۹۱

۲۹۸.....	داوری درباره‌ی تکه‌چسبانی‌های رومیر بیردن
۳۰۷.....	نمونه‌هایی از داوری منفی
۳۱۰.....	داوری‌های متضاد درباره‌ی یک اثر
۳۱۲.....	ارزیابی، استدلال و ضوابط
۳۱۳.....	ضوابط متداول
۳۱۴.....	رنالیسم
۳۱۶.....	اکسپرسیونیسم
۳۱۹.....	فرمالیسم
۳۲۲.....	استفاده‌ی ابزارهای هنر
۳۲۷.....	ضوابط دیگر
۳۲۸.....	انتخاب ضوابط
۳۳۵.....	اصول داوری هنری

۳۴۳.....	فصل ۶ / نگارش و گفتگو درباره‌ی هنر
۳۴۴.....	نگارش نقد هنری
۳۴۴.....	انتخاب موضوع نگارش
۳۴۸.....	توصیف
۳۵۰.....	تفسیر
۳۵۱.....	داوری
۳۵۳.....	در نظر داشتن پیش‌فرض‌ها
۳۵۴.....	آیین و روند نگارش
۳۵۴.....	انتخاب شیوه‌نامه
۳۵۴.....	توجه به شمار واژه‌ها
۳۵۵.....	تشخیص مخاطب
۳۵۶.....	آغاز به کار

- ۳۵۸..... یادداشت‌برداری
- ۳۵۹..... پرهیز از ایده‌ربایی
- ۳۵۹..... تعیین طرح کلی
- ۳۶۰..... نوشتن
- ۳۶۱..... بازنویسی
- ۳۶۲..... خطاهای مرسوم و توصیه‌های نگارشی
- ۳۶۴..... ویرایش
- ۳۶۶..... التزام به محدودیت زمان
- ۳۶۶..... نمونه‌هایی برای نگارش نقد
- ۳۶۶..... نوشتن دریافت‌های شخصی
- ۳۸۵..... نوشته‌های کوتاه درباره‌ی آثار هنری
- ۳۹۵..... نوشتن در مقام هنرمند
- ۳۹۹..... نگارش و نقدهای کارگاهی
- ۴۰۸..... کاوش در هنر خود
- ۴۱۵..... نقد نوشته‌های انتقادی
- ۴۲۵..... گفتگو درباره‌ی آثار هنری
- ۴۲۵..... گفتگوی روزمره درباره‌ی هنر
- ۴۲۶..... گفتگوی منسجم درباره‌ی هنر
- ۴۲۸..... نقد آثار هنری در عرصه‌ی عمومی
- ۴۲۹..... توصیه‌های عمومی برای گفتگوهای گروهی
- ۴۳۱..... پیشنهادهایی درباره‌ی جلسه‌های نقد تعاملی
- ۴۳۷..... واژه‌نامه‌ی انگلیسی - فارسی

فصل ۱

درباره‌ی نقد هنر

در این فصل، نقد هنرهای معاصر را بررسی می‌کنیم. این فصل، نه تاریخی دقیق از نقد هنری قرن بیستم، که خلاصه‌ای از طیف وسیع کاربرد امروزی نقد است. فصل پیش رو درباره‌ی منتقدانی صحبت می‌کند که در مورد آثار هنری مشخص، دیدگاه‌هایی مختلف و گاه متضاد دارند. این قسمت حاوی نمونه‌هایی است از نقدهای منتشر شده در روزنامه‌ها، جراید مشهور ملی، نشریه‌های هنری محلی، نشریه‌های تخصصی دانشگاهی و گاهنامه‌های ملی و بین‌المللی انگلیسی زبان. برخی از این منتقدان انگیزه‌های آشکار سیاسی دارند که مستقیماً بدان اشاره می‌کنند؛ برخی دیگر این گرایش‌ها را آشکار نمی‌کنند یا صرفاً به‌طور ضمنی به آن اشاره می‌کنند. در این فصل، نقد به‌مثابه امری زنده، پیشرو، دل‌چسب، ارزشمند و پیچیده مطرح شده است. فصل پیش رو - و در واقع همه‌ی کتاب - برای تشویق خوانندگان به مشارکت در بحث‌های انتقادی نوشته شده است.

عشق و نفرت

« احتمالاً شما از سر عشق‌تان به آثار هنری، آنها را نقد می‌کنید. البته من هم از سر نفرت نمی‌نویسم. من هم با عشق این کار را می‌کنم و به گمانم که بنیاد نقد باید همین باشد. » این جمله‌های رابرت روزنبلوم، منتقد ساکن نیویورک، است. جمله‌های او از زبان منتقدان زیادی نقل قول شده است. رنه ریچارد، منتقد و شاعر، در نشریه‌ی آرت‌فاروم می‌گوید: « من در واقع منتقد هنری نیستم. من شیفته‌ی هنرم. می‌خواهم به روح هنرمندانی که آثارشان الهام‌بخش من بوده است، شوری تازه بدمم. » رازلیند کراوس، یکی از بنیادگذاران نشریه‌ی انتقادی اکتبر، از اشتیاقش در پرداختن به هنر می‌گوید: « تصور می‌کنم انسان این شکلِ منحصر به فرد و مرموز را برای بیان احساس خود بر می‌گزیند چون با آن تجربه‌ای بکر داشته است - و احتمالاً این تجربه‌ی بکر انسان را وامی‌دارد تا همراهش برود و به آن فکر کند و درباره‌اش بخواند و بنویسد. اما پیش از آن، باید لحظه‌ای برسد که فریفته و مسحور این شکل از بیان شده باشد و با آن یکی شود. »

چنین سخنانی از زبان منتقدان، کمک می‌کند تا آن دریافت نادرست عمومی را اصلاح کنیم، دریافتی که نقد را کنشی منفی می‌داند. در زبان متداول، واژه‌ی نقد بار منفی دارد و در جستجوی اشکال است. پس عجیب نیست اگر افراد ناآشنا با دانش نقد هنری، آن را فرآیندی منفی بدانند. در گفتمان زیباشناختی، نقد هنری نه دلالت بر امری منفی دارد و نه متضمن امری مثبت است. اما متأسفانه این اصطلاح همچنان برای عموم گمراه‌کننده است - حتی برخی، مانند رنه ریچارد، اصلاً خود را منتقد نمی‌نامند. منتقد هنری پرکاری چون لوسی لپیارد هم خود را از برچسب منتقد دور نگاه می‌دارد: « راستش من هم هیچ‌وقت از این اصطلاح خوشم نیامده است. بار منفی‌اش نویسنده را در مقام ستیز با هنرمند قرار می‌دهد. » لپیارد و بسیاری از منتقدان دیگر نمی‌خواهند در رابطه با هنر و هنرمند، در جایگاهی منفی یا

ستیزه‌جویانه انگاشته شوند، چون واقعا در چنین جایگاهی نیستند. بی‌شک، گاهی منتقدان در مورد آثار هنری داوری‌های منفی هم می‌کنند (در فصل ۵، درباره‌ی جستار داوری انتقادی بحث می‌کنیم)، اما معمولا داوری‌های منتقدان مثبت است. ریچارد می‌گوید: چرا باید به چیزی که از آن نفرت داریم، وجهی عمومی بدهیم؟

در این کتاب، گرایش تبیین‌شده به هنر و نقد هنری مثبت است. به‌طور کلی، منتقدان با تفکر و نگارش و صحبت درباره‌ی هنر روزگار خود را می‌گذرانند، چون به این کار عشق می‌ورزند و آن را پدیده‌ای ارزشمند می‌دانند. اغلب منتقدان از پیوند نزدیک‌شان با هنر و نقد هنری خوشحال‌اند. دیو هیکی می‌گوید: «گذران زندگی من بی‌نقص نیست، اما زندگی فوق‌العاده‌ای دارم. من پول می‌گیرم تا کاری را انجام دهم که دوست دارم و آن نوشتن است.» منتقدان همیشه هم با اثر هنری پیش روی خود موافق نیستند، اما همیشه از فکر کردن به آن لذت می‌برند. روزنبلوم هم‌ی این گزاره‌ها را به‌اختصار بیان می‌کند: «ما فقط دوست داریم راجع به هنر بنویسیم، به آن نگاه کنیم و درباره‌اش به گفتگو بنشینیم.»

تکبر و تواضع در نقد

گاهی منتقدان به تکبر و فخرفروشی متهم می‌شوند. در فرهنگ عام، این دسته به خودبینی مشهورند. شاید واقعا هم چنین باشد. نه منتقدان و نه هنرمندان ضرورتا انسان‌های دلچسبی نیستند. جرمی گیلبرت - رولف، در یکی از مقاله‌هایش، به یاد ما می‌آورد که آموزگاران دموکراسی و زیباشناسی، یعنی یونانیان، خود برده‌دار بودند. جنت ملکوم در یک مقاله‌ی دو قسمتی آموزنده و پر از شایعه‌پردازی، از دوران دبیری‌اش در نشریه‌ی اثرگذار آرت فاروم می‌گوید: «کراس تیزبین است و چابک و کج‌خلق و مضطرب. با سبکی تمسخر می‌کند و با بی‌رحمی حرف می‌زند - این خصوصیات او باعث می‌شود